



آن‌ها شبیه خیلی از دختران ایرانی، غم‌نان دارند و با وجود حضور در ورزش حرفه‌ای برای امرار معاش، کار هم کرده‌اند. حمایت خانوادگی از آن‌ها باعث شده است که در مسابقات بدرخشند

۱۲ مهر ۱۴۰۰ • شماره ۹۱۰



زهرا قنبری:

زهرا ۱۴ اسفند ۱۳۷۰ در شهرستان کنگاور استان کرمانشاه به دنیا آمد.

او وقتی ۱۵ سال داشت به عضویت تیم ملی جوانان درآمد و بعد از درخشش در تیم فوتبال جوانان به تیم بزرگسالان دعوت شد. علاقه او به فوتبال اما از کودکی شروع شد، زمانی که همراه برادر و پدرش که آنها هم عاشق فوتبال اند، بازی‌های فوتبال را تماشا می‌کرد. پدر زمانی که دید دخترش به فوتبال علاقه دارد، او را برای آموزش در کلاس‌های فوتبال ثبت‌نام کرد. بعدها در مسابقات فوتبال مدارس شرکت کرد و به عضویت تیم‌های استانی، کشوری درآمد و وارد لیگ برتر شد. زهرا قنبری عاشق پدرش است و همیشه یک عکس از او در کیف پولش دارد و به نظرش اگر حمایت و همراهی پدر نبود او هیچ‌گاه فوتبالیست نمی‌شد. قنبری یک خاطره جالب هم از دوران کودکی‌اش دارد. زمانی که فقط ۱۰ سال داشت در یک باشگاه فوتبال به همراه پدر و برادرش حاضر می‌شود و با تعداد زیادی پسر نوجوان، تست فوتبال می‌دهد و تنها او و یک پسر بچه دیگر در تست قبول می‌شوند. زمانی که مربی‌ها متوجه می‌شوند او دختر است، تشویقش می‌کنند به ادامه دادن فوتبال. الگوی او در زندگی و فوتبال کریستیانو رونالدوست و هر زمانی که وقت آزاد داشته باشد، فیلم مستند زندگی او را تماشا می‌کند، فیلمی که بارها آن را دیده است. تماشای فیلم‌های بازی او و گلزن‌های رونالدو، یکی دیگر از سرگرمی‌هایش است و بهترین خاطره‌اش بازی با ویتنام است. زمانی که در ضربه ایستگاهی، به حریف گلی به سبک و سیاق رونالدو زد و روزنامه‌ها به او لقب زهرا رونالدو را دادند. آن گل در اردیبهشت ۹۶ با رای مردمی و در برنامه ۹۰، سومین گل برتر ماه شناخته شد. این اما تنها افتخار این دختر فوتبالیست ۳۰ ساله نیست. او نخستین لژیونر فوتبال بانوان است و سابقه حضور در لیگ عراق و بازی در تیم گاز شمال کرکوک عراق را دارد. در پایان فصل ۹۴-۹۳ فوتبال، زهرا به عنوان بهترین بازیکن لیگ برتر فوتبال بانوان شناخته شد و از معاون رئیس جمهور وقت، در بخش زنان و خانواده جایزه دریافت کرد. او در فصل ۹۷-۹۶ لیگ برتر فوتبال با ۴۱ گل زده، به عنوان بهترین گل‌زن معرفی شد.



با بانوان فوتبالیست ایرانی چقدر آشنا هستید؟

## دختران زمین

آنها فوتبالیست هستند و حالا در همه روزنامه‌های ورزشی و غیرورزشی یک مصاحبه از آنها دیده می‌شود، قبل از هر چیز اما آنها دختر، مادر و همسرند و در کنار نقش فوتبالیست بودن، زندگی خانوادگی خود را دارند و به عنوان یک بانو، هم در خانه کار می‌کنند و غذای گرم می‌پزند، هم بچه‌داری می‌کنند و هم دختر خانوادگی اند.

آنها شبیه خیلی از دختران ایرانی، غم‌نان دارند و با وجود حضور در ورزش حرفه‌ای برای امرار معاش، نجاری یا در کافی شاپ کار کرده‌اند. حمایت خانوادگی از آنها باعث شده در مسابقات بدرخشند. در ادامه درباره چند نفر از بازیکنان تیم ملی بانوان نوشته ایم.

حالا دیگر خبر پیروزی دختران در صدر اخبار نیست اما خبر آنقدر مهم و بزرگ بود که در اولین فرصت در چاردیواری سراغ آنها برویم. چون این صعود یکی از بزرگترین اتفاقاتی است که برای تیم فوتبال بانوان افتاده است. مخصوصاً اگر بدانیم، عموماً فوتسال بانوان پرافتخارتر از فوتبال بانوان است.

نتیجه صعود در مسابقات فقط با چهار ماه تمرین به دست آمد تا دختران ایرانی، برای اولین بار در رنکینگ جهانی با همت و توان خودشان پیروز شوند و امیدها برای حضور در جام جهانی فوتبال بانوان بالاتر برود. درست است که

لیلا شوقی

روزنامه نگار

و بعد با بوسه بر پرچم کشور، سالن مسابقات را ترک کردند. همه لحظات ورزش اما با تلخی همراه نبود و او لحظات شاد زیادی را هم در ورزش حرفه‌ای تجربه کرده است.

یکی از بهترین لحظات عمرش در بهمن ۹۱ است. زمانی که مریم در تیم بندرانزلی بازی می‌کرد و بعد از حضور در استادیوم تختی شهرستان انزلی، شاهد حضور ۲۵۰۰ تماشاگر خانم در استادیوم بود. هنوز هم فکر کردن به آن صحنه برایش لذت بخش است؛ فکر به این که بانوان زیادی بازی او و هم تیمی‌هایش را از نزدیک دیدند.

است؛ البته او نه به ورزش تخصصی پدر که به ورزش تخصصی مادر یعنی فوتبال علاقه دارد و هم اکنون در تیم فوتبال زیر ۱۱ ساله‌های ملوان بندرانزلی، کاپیتان است.

درست است که ایران‌دوست را این روزها خیلی‌ها می‌شناسند اما او روزهای سخت زیادی در ورزش داشته است. تلخ‌ترین خاطره ورزشی او حذف از مسابقات مقدماتی المپیک لندن است، زمانی که ناظر بحرینی به خاطر حجاب به او و شاگردانش اجازه حضور و رقابت در بازی‌های فوتبال را نداد. دختران فوتبالیست با اشک دور افتخار دور استادیوم زدند

و بسکتبال فعالیت کرد. در نهایت اما این فوتبال بود که دل مریم را برد. او در تیم فوتبال بانوان ملوان بندرانزلی، تیمی که پدرش سال‌ها در آنجا توپ زده، بازی کرد و ۳۶ گل برای تیمش به ارمغان آورد. ایران‌دوست تا ۴۰ سالگی به عنوان بازیکن در این تیم بود و هم‌زمان در تیم‌های دیگری هم مربیگری می‌کرد.

همسر ایران‌دوست، محمدرسول یکتاپرست، بازیکن پیشین و مربی فعلی ورزش رزمی جوجیتسو است. راستین، پسر ایران‌دوست و یکتاپرست است و به واسطه خانواده ورزشی به ورزش علاقه مند

مریم ایران‌دوست:

مشهورترین نام در اعضای تیم ملی فوتبال ایران، مریم ایران‌دوست، سرمربی این تیم است.

ایران‌دوست در ۱۴ بهمن ۵۷ در بندرانزلی به دنیا آمد. او فرزند نصرت ایران‌دوست، بازیکن و مربی پیشین تیم فوتبال ملوان بندرانزلی است. به واسطه پدر، مریم هم به ورزش علاقه مند شد و به صورت حرفه‌ای در ورزش‌های دو میدانی

